

{فرهنگی}



ترک پارسی گوی!

بخش فرهنگی – سی‌وپنج سال از کوچ ابدی شهریار می‌گذرد، شاعری که به زبان فارسی و ترکی شعر می‌سرود و حسین منزوی او را «ترک پارسی‌گوی» می‌خواند.

به گزارش ایسنا، بیست‌وهفتم شهریورماه، سی‌وپنجمین سال‌روز درگذشت سیدمحمدحسین بهجت تبریزی متخلص به شهریار و روز بزرگداشت این شاعر است که در تقویم به نام روز شعر و ادب فارسی نام‌گذاری شده است. شهریار از چهره‌های شاخص ادبیات و شاعر منظومه معروف «حیدر بابایه سلام» است که در سال ۱۲۸۵ در تبریز متولد شد. تحصیلات مقدماتی را با خواندن گلستان و نصاب در مکتب نزد پدر دانشمند خویش شروع کرد و در همان زمان با دیوان خواجه الفتی سخت یافت.

ذوق شاعری سیدمحمدحسین از اوان کودکی نمایان شد. او در ۱۳ سالگی شعرهایش را با تخلص «بهجت» در مجله «ادب» به چاپ می‌رساند و بعدها با تفلّ به دیوان حافظ شیرازی، تخلص «شهریار» را برگزید و درنهایت نامش با همین تخلص در تاریخ ادبیات ثبت شد.

البته خود می‌گوید: «ذوق و حساسیت ادبی‌ام را بیشتر مدیون مادرم هستم. مادرم سواد خواندن و نوشتن نداشت ولی اشعار بسیار لطیف ترکی و فارسی را به خاطر داشت و وقتی که شعر لطیفی می‌خواند می‌لرزید و اشک می‌ریخت. این بود که علاوه بر وراثت حال و هوای مادرم از کودکی در روح من منعکس شد. در چهار پنج‌سالگی اولین شعری را که من حس کردم و به ذائقه سپردم مادرم خواند که این دو بیت ترکی بود که هنوز در مغز من صدا می‌کند و به نظر

بخش فرهنگی – آرش فلاح‌ت‌پیشه بازیگر نقش سعید

یاکوزا در سریال حیثیت گمشده است. فلاح‌ت‌پیشه که سابقه حضور در فیلم‌ها و سریال‌های مختلف دارد و سابقه حضور در صحنه تئاتر را نیز در کارنامه دارد در سریال حیثیت گمشده با گریم متفاوت یکی از نقش‌های کوتاه ولی مهم سریال را بازی کرده است. فلاح‌ت‌پیشه سابقه همکاری با پهلوان‌زاده در سریال سقوط را در مقام بازیگردان داشته است و در سریال آکتور نیما جاویدی نیز در چند اپیزود حضور داشت.

به گزارش خبرگزاری خبرآنلاین، آرش فلاح‌ت‌پیشه بازیگر نقش سعید یاکوزا در سریال حیثیت گمشده است. فلاح‌ت‌پیشه که سابقه حضور در فیلم‌ها و سریال‌های مختلف دارد و سابقه حضور در صحنه تئاتر را نیز در کارنامه دارد در سریال حیثیت گمشده با گریم متفاوت یکی از نقش‌های کوتاه ولی مهم سریال را بازی کرده است. فلاح‌ت‌پیشه سابقه همکاری با پهلوان‌زاده در سریال سقوط را در مقام بازیگردان داشته است و در سریال آکتور نیما جاویدی نیز در چند اپیزود حضور داشت.

به بهانه پخش این اثر با آرش فلاح‌ت‌پیشه بازیگر نقش «سعید یاکوزا» گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

ورود شما به عرصه سینما و تلویزیون به پیشینه شما در تئاتر بازمی‌گردد. این اتفاق با چه مزیت‌هایی همراه بوده است؟ دقیق‌تر بپرسیم که این ورود چه ارزش افزوده‌ای برای هنرمندی که از ابتدا وارد عرصه تلویزیون و یا سینما می‌شود، دارد؟

به هر حال کسی که وارد عرصه بازیگری می‌شود، به دنبال دیده شدن است. در حقیقت یک بازیگر با مخاطب و بازخوردی که از او می‌گیرد، معنا پیدا می‌کند. پس دیده شدن در مدیوم وسیع‌تر مهم است، در حقیقت تصویر این شرایط را فراهم می‌کند که بازیگر بیشتر دیده شود و در معرض توجه قرار بگیرد. البته برای ما که از حوزه نمایش شروع کردیم، تئاتر همیشه در اولویت است و به هر قیمتی وارد حوزه تصویر نمی‌شویم؛ البته تئاتر به معنای واقعی کلمه که این روزها کمتر می‌بینیم و به نوعی در حال از بین رفتن و مُردن است. ما نسل روزگاری هستیم که تئاتر پدر و مادر و صاحب‌داشت و به این روزگار دچار نشده بود. پس آموختیم که باید تلاش و در مسیر درست حرکت کنیم.

آیا این نظریه صادق است کسانی که از تئاتر وارد عرصه تصویر می‌شوند، در انتخاب نقش‌ها سختگیرانه‌تر عمل می‌کنند؟

کسی که از تئاتر شروع می‌کند و با واژه درام به نوعی ویژه‌تر آشناست و برخورد کرده، نگاه سختگیرانه‌تری برای انتخاب جهان، نقش و کلیت اثری دارد که می‌خواهد با مخاطب مواجه شود، منظور من اندیشه پشت اثر است. شاید بهتر است بگویم که بازیگر تئاتر تن به هر ابتدال و کار سطحی نمی‌دهد و تلاش می‌کند در گوشه‌ای از آن حضور داشته باشد که بتواند تأثیر درستی روی فکر و اندیشه مخاطبش داشته باشد. البته همه این موارد ممکن است این روزها ایده‌آلیستی و عجیب و غریب

تهران بازگشت. در سال ۱۳۱۳ که شهریار در خراسان بود، پدرش حاج میرآقا خشنگانی که وکیل بود، درگذشت. در سال ۱۳۱۵ در بانک کشاورزی استخدام و پس از مدتی به تبریز منتقل شد.

شهریار در سرودن اشعار فارسی و ترکی تبحر داشت. از جمله غزل‌های معروف او می‌توان به «امدی جانم به قربانت ولی حالا چرا» و «علی ای همای رحمت» اشاره کرد. شهریار نسبت به علی بن ابیطالب (ع) ارادت ویژه‌ای داشت. شعرهایش به قدری ساده و گیراست که کمتر کسی است که شهریار و چند بیتی از اشعار او را در خاطر نداشته باشد.

مهم‌ترین اثر شهریار منظومه «حیدر بابایه سلام» است که از معروف‌ترین آثار ادبیات ترکی آذربایجانی به‌شمار می‌رود و شاعر در آن از اصالت و زیبایی‌های روستا یاد کرده است. او این شعرها را طی ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۰ سروده است. شهریار در مصاحبه با اطلاعات ماهانه، در بهمن ۱۳۳۳، شماره ۸۳ در پاسخ به این که کدام شعر خود را دوست دارد، می‌گوید: «من نمی‌دانم کدام را بیشتر دوست دارم. ولی چون می‌دانم که این جواب کسی را قانع و محلی را اشغال نمی‌کند، توضیح زیرین را بر آن می‌افزایم:

من از اشعار خود یک قطعه هست که آن را بیش از همه دوست دارم؛ اما این قطعه هنوز روی کاغذ نیامده و آن «شعر ایده‌آل» من است.

شاید به مناسبت نزدیکی به شعر ایده‌آلم باشد که از ساخته‌هایم نیز آخرین اثرم را دوست دارم؛ زیرا گذشته از این‌که مدتی با اندیشه‌های آن انس گرفته و بالاخره در حال استغراق آن را نوشته‌ام، هنوز هم انعکاس آن در اعصاب من باقی است. اکنون شعری که خودم بیشتر در مغزم منعکس است، قطعه «پیام بر اینشتین» است که آخرین اثرم است.

مثلا وقتی به یاد مادرم می‌افتم قطعه «ای وای مادرم» تقریباً احساساتم را قانع می‌کند و برای این قطعه در ادبیات جدید فارسی ش‌ا‌نی قایل می‌شوم. وقتی از خاطره‌های کودکی یاد می‌کنم منظومهٔ «حیدر بابا»، مت‌آسفانه هنوز به فارسی ترجمه نشده، برایم عزیزتر می‌نماید. گاهی که از جوانی و عشق‌های آن به یاد می‌آورم چندین غزل خاطره‌آمیز که اتفاقاً همیشه به خاطرم هست در حالی که از موسیقی کمک می‌گیرم با خود زمزمه می‌کنم:

«کار گل زار شود گر تو به گلزار آبی»/ «نه وصلت دیده بودم کاشکی ای گل نه هجرانت»/ « نالدم پای که چند از پی یارم بدوانی»/ «ای غنچه خندان چرا خون در دل ما می‌کنی» / «تو ای بالا بلا دلبر بگو منزل کجا داری»

وقتی از عظمت گذشت زمان و شکوه تاریخ متأثرم، منظومه «تخت جمشید» به عظمت بنای خود تخت جمشید در نظرم خودنمایی می‌کند. به ندرت هم یادی از محرومیت‌های خود و بی‌وفایی یاران کرده و این غزل را آهسته و زیر لب می‌خوانم:

به تیره‌بختی خود کس نه دیدم و نه شنیدم

ز بخت تیره خدایا چه دیدم و چه کشیدم

تنها در حضيض و اوج حال خود دو بیت از خواجه هست که چنگی به دلم می‌زند: «به قول مطربان از خود به‌در رفتم گه و بی‌گه/ کز آن راه گران قاصد خبر دشوار می‌آورد» و «همچو حافظ غریب در ره عشق/ به مقامی رسیده‌ام که مه‌رس» وقتی هم صرفا سخن از شعر ناب و مینیاتورهای شعری و تخیل‌های وحشی است تابلوهای «فلسانه شب»، دو مرغ بهشتی» و «هذیان دل» به نظم جلوه‌ای پیدا می‌کنند. اما غم و حال امروزم که متن صفحه خاطره باشد توجه به مبدا و جست‌وجوی راز جهان است. در این حال هم از خودم و نه دیگران هیچ شعری پیدا نمی‌کنم که جوابگوی احساساتم باشد زیرا جهان اصیل و بزرگ حتی آشنایان و محرومان خود را مستغرق و گنگ می‌سازد تا شکوه و ابهام خود را از دست ندهد.»

شهریار در روزهای آخر عمر به‌دلیل بیماری در بیمارستان مهر تهران بستری شد و پس از درگذشت در ۲۷ شهریور ۱۳۶۷، بنا به وصیت خود در مقبره‌آل‌شعراي تبریز به خاک سپرده شد.

گفت‌وگو با آرش فلاح‌ت‌پیشه، سعید یاکوزای «حیثیت گمشده»

بازیگری که برای نقشش شش ساعت زیر گریم بود



نقش‌های پیشین شما داشت؟ برای رسیدن به آن چه کارهایی انجام دادید؟

اگر بخوایم به یک نکته کلی اشاره کنم، امکاناتی که نقش در اختیار ما می‌گذارد، بسیار مهم است چراکه در راستای آن می‌تواند قابلیت‌هایش را به منصفه ظهور بگذارد و با مخاطب ارتباط بهتری بگیرد. ناگفته‌نماند که بازیگر از یک جایی به بعد آموزه‌ها و تجاربی را که کسب کرده است، در گنجینه‌احساس و حافظه انباشت می‌کند و در موقعیتی‌هایی که در آن قرار می‌گیرد، استفاده می‌کند. من برای ایفای نقشم در سریال «آکتور» به مناطقی رفتم و مدتی را با کسانی روزگار گذراندم تا بتوانم شکل هندسی حرکتی و رفتاری و لحن و کلام آن‌ها را بهتر یاد بگیرم. برای رسیدن به یکسری نقش‌ها باید مطالعه و تحقیق کرد اما برای برخی دیگر باید با آکتفا به گنجینه موجود جلورفت. نمونه‌هایی شبیه «سعید» سریال «حیثیت گمشده» در اطراف ما زیاد است؛ آدم‌هایی که تصمیم گرفتند از یک جایی به بعد به لحاظ عاطفی کنج عزلت بچوبند و شرایطی برایشان ایجاد شده است که خودشان، خودشان را طرد کنند. تعداد این افراد به ویژه این روزها به واسطه شرایط به وجود آمده روز به روز بیشتر و بیشتر و آدم‌ها بیشتر تنها می‌شوند.

اگر از نگاه مخاطب به این سریال نگاه کنیم، این اثر برحسب کدام ویژگی‌هایش می‌تواند مخاطب را با خود همراه کند؟ از بازخورد مخاطبان برایمان بگویید.

اولین و مهمترین ویژگی که مخاطب را با سریال «حیثیت گمشده» همراه کرده و توانسته است بازخوردهای خوبی از مخاطبان بگیرد، قصه سرراست و جذاب بدون هیچ ادا و اطواری‌ست که تماشاگر را با خود همراه می‌کند. نکته دیگر اعتماد به چهره‌های کاربلد جدید است؛ کسانی که در تئاتر شناخته شده هستند اما متأسفانه در حوزه تصویر مردم کمتر آن‌ها را می‌شناسند. واقعیت این است که مردم هم از اینکه

سه شنبه ۲۸ شهریور ۱۴۰۲

خبر

به بهانه حضور مازیار لرستانی

پس از ۲۰ سال در تئاتر



بخش فرهنگی – بیش از ۲۰ سال از آخرین حضور مازیار لرستانی در تئاتر می‌گذرد و حالا او قصد دارد بعد از این همه دوری، یکی از مشهورترین آثار ادبیات

نمایشی جهان را روی صحنه بیاورد.

به گزارش ایسنا، جندی پیش حضور حمید جبلی به عنوان نویسنده نمایشنامه «سوسمار» مورد توجه قرار گرفت چراکه او نیز بعد از ۲۰ سال حضوری دوباره در تئاتر رقم زد و حالا مازیار لرستانی دیگر هنرمندی است که پس از وقفه‌ای طولانی دست به کار اجرای نمایشی تازه شده است. مازیار لرستانی هرچند نزد دانشکده مدرک کارشناسی خود را دریافت کرده اما است که پس از وقفه‌ای طولانی دست به کار اجرای نمایشی تازه شده است. لرستانی اما در کنار تحصیل، از بیشتر مردم به عنوان بازیگر شناخته می‌شود ولی کارنامه‌ای نسبتا پر و پیمان در زمینه کارگردانی هم دارد؛ منتها کارگردانی او بیشتر در زمینه تئاتر است.

او نیز جزو دانش‌آموختگان رشته نمایش از دانشکده هنرهای زیباست و در گرایش کارگردانی از این دانشکده مدرک کارشناسی خود را دریافت کرده اما بعد از آن در زمینه فیلم‌نامه‌نویسی نیز در باغ فردوس آموزش دیده و مدرک کارشناسی ارشد خود را از این موسسه گرفته است. لرستانی اما در کنار تحصیل، از همان سال‌های آغازین جوانی خود، به فعالیت عملی هم روی آورده و نتیجه آن کارگردانی چندین نمایش است که برخی از آنها متون مشهور ادبیات نمایشی ایران و برخی هم نمایشنامه‌های مهم جهانی هستند. او در فاصله سال‌های ۱۳۴۴ تا ۱۳۶۹ بیشتر به عنوان بازیگر تئاتر فعال بوده و در ۱۶ اثر نمایشی به ایفای نقش پرداخته است. اما از نیمه دوم دهه شصت مشغول کارگردانی هم می‌شود و نه تنها در دانشگاه تهران بلکه در مجموعه تئاتر شهر و تالار مولوی نیز نمایش‌های گوناگونی را به صحنه می‌برد.

تحصیل در دانشکده هنرهای زیبا سبب می‌شود که او نمایش‌هایی همچون «عقاب»، «داش آکل» و «موتوری» را در تالار تجربه این دانشکده روی صحنه بیاورد.

او نیز همچون اغلب دانش‌آموختگان تئاتر بخشی از فعالیت خود را در تالار مولوی انجام می‌دهد که نتیجه آن اجرای نمایش‌هایی همانند «برده برداری» و «آنتیگون» در این تالار است که به عنوان پایگاه تئاتر دانشجویی شناخته می‌شود.

لرستانی از همان نیمه دوم دهه شصت به عنوان کارگردان در مجموعه تئاتر شهر هم حضور پیدا می‌کند. اجرای نمایش‌های «خسیس دهکده روگافورد» در تالار قشقایی، «گالری» در تالار شماره ۲، «بنگاه تئاترال» در تالار چهارسو و … بخشی از این فعالیت‌هاست. این چهره تئاتری، سال ۷۶ نمایش «سلطان مار» نوشته بهرام بیضایی را در تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه می‌برد و به فاصله دو سال بعد نمایش «تلخ بازی قمر در عقرب» نوشته نغمه تمینی را در همین تالار اجرا می‌کند.

نکته قابل‌تامل اینکه او بعد از اجرای نمایشنامه مشهور بیضایی، نمایشنامه‌ای از نغمه تمینی را برای اجرای بعدی‌اش انتخاب می‌کند که در آن مقطع نویسنده‌ای بسیار جوان و تازه‌کار بوده و «تلخ بازی قمر در عقرب» جزو اولین نمایشنامه‌های اوست.

لرستانی بعد از اجرای دو نمایش در بزرگترین سالن تئاتر شهر، برای اجراهای بعدی خود سالن‌های کوچک‌تر این مجموعه را بهتر می‌بیند.

کارگردانی نمایش «زندگی دوگانه» بخش دیگری از فعالیت او در تئاتر است. او متن این نمایش را بر اساس آقای از ویسواوا شیمبورسکا، لئونارد کوهن و ژان کوکتو برای اجرای صحنه‌ای تنظیم کرد و این اثر نمایشی در تالار سایه روی صحنه رفت. محمد حاتم‌ی و فریماه فرجامی دو بازیگر این نمایش بودند و این آخرین حضور فرجامی روی صحنه تئاتر بود.

لرستانی برای اجرای نمایش بعدی‌اش، سراغ یکی از آثار مشهور ادبیات نمایشی جهان رفت و نمایشنامه «پیک نیک در میدان جنگ» نوشته فرناندو آرابال را برای اجرا انتخاب کرد که این نمایش سال ۸۱ در تالار قشقایی روی صحنه رفت و این آخرین کارگردانی لرستانی در تئاتر بود. او به فاصله دو سال بعد نمایشنامه «در پوست شیر» را در قالب تئاتر تلویزیونی کارگردانی کرد و آن را برای شبکه ۴ ساخت.

لرستانی در سال‌هایی که عمده فعالیت خود را بر کارگردانی تمرکز کرده بود، در کنار بازی در چندین مجموعه تلویزیونی و فیلم سینمایی، به مدت دو سال حضوری پررنگ به عنوان بازیگر نمایش‌های رادیویی داشت و بیشتر فعالیت او در این زمینه در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۷ روی صحنه بوده است.

مازیار لرستانی این روزها مشغول آماده‌سازی نمایش تازه خود است. او حضور دوباره خود را در تئاتر با نمایش «در انتظار گودو» رقم می‌زند. نمایشنامه‌ای که بازتاب شرایط اروپا بعد از جنگ دوم جهانی است و یکی از نخستین آثاری است که از آنها به عنوان نمایشنامه‌های ابزورد یاد می‌شود. این نمایش به زودی در تالار چهارسو مجموعه تئاتر شهر روی صحنه می‌رود و نکته جالب‌تر اینکه با اجرای آن افسر اسدی نیز بعد از سال‌ها دوری، به صحنه بازمی‌گردد.